

Investigation and Analysis of Moral Teachings in the Poems of Parvin Etesami; Based on Roman Jacobsen's Verbal Communication Theory

M. Khodadadi¹, R. Fakhraeyan Ph.D.^{2*}, M. Ghaderi Moghaddam Ph.D.²

1. Ph.D. Student in Persian Language and Literature, Dept. of Persian Literature, Shirvan Branch, Islamic Azad University, Shirvan, Iran.
2. Dept. of Persian Literature, Shirvan Branch, Islamic Azad University, Shirvan, Iran.

Abstract

Background: Parveen Etesami has established a deep connection with his audience in his poems and explained his moral approaches to them. The connection between the creator of the work, the produced text and the listener is prominent in these poems. In the contemporary era, many theorists have discussed the relationship between these components, among which, Roman Jacobsen and his theory of verbal communication have more credibility. Examining the moral teachings of Parvin's poems and how to represent them based on the principles of the mentioned theory is the main goal and issue of the present research. This research is based on library sources and descriptive-analytical method.

Conclusion: The persuasive role of language in poems has been to lead the audience to fulfill moral obligations and avoid immorality. Through the empathetic role of language, by asking questions from the audience, the poet has provided the necessary platforms for their greater presence in the text and creating unity and empathy. The emotional role expresses the dominance of Parvin's social self over his individual self. The role of reference indicates the importance of the poet's interpretation of ethics from the Qur'an, Islamic mysticism, Iranian culture, etc. The literary role shows the power of Parvin's imagery to make visible the contradictions and moral confrontations in the society. One of the indicators of the meta-linguistic role in Parvin's poems is the use of simple religious, historical and animal codes that make the moral issues raised multi-layered and richer.

Keywords: Parvin Etesami, Poems, Moral Teachings, Jacobsen, Verbal Communication, Language

***Corresponding Author:** Fakhraeyan R, Dept. of Persian Literature, Shirvan Branch, Islamic Azad University, Shirvan, Iran. Email: Rf290@yahoo.com

How to cite: Khodadadi M, Fakhraeyan R, Ghaderi Moghaddam M. Investigation and analysis of moral teachings in the poems of Parvin Etesami; based on Roman Jacobsen's verbal communication theory. *Ethics in Science and Technology*, 2024;19(3): 45-52.



Copyright © 2024 Authors. Published by Iranian Association for Ethics in Science and Technology. This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license. (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited

بررسی و تحلیل آموزه‌های اخلاقی در قصاید پروین اعتصامی؛ بر اساس نظریه ارتباط کلامی رومن یاکوبسن

مریم خدادادی^۱، دکتر رجب فخرانیان^{۲*}، دکتر محمد قادری مقدم^۲

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه ادبیات فارسی، واحد شیروان، دانشگاه آزاد اسلامی، شیروان، ایران.

۲. گروه ادبیات فارسی، واحد شیروان، دانشگاه آزاد اسلامی، شیروان، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۸)

چکیده

زمینه: پروین اعتصامی در قصاید، ارتباطی ژرف با مخاطبانش برقرار کرده و رویکردهای اخلاقی خود را برای آنها شرح داده است. پیوند میان خالق اثر، متن تولیدی و شنونده در این شعرها برجسته به نظر می‌رسد. در دوران معاصر، نظریه پردازان بسیاری به ارتباط میان این مؤلفه‌ها پرداخته‌اند که از این بین، رومن یاکوبسن و نظریه ارتباط کلامی او از اعتبار بیشتری برخوردار است. بررسی آموزه‌های اخلاقی قصاید پروین و چگونگی بازنمایی آن بر اساس مبانی نظریه مذکور، هدف و مسأله اصلی پژوهش حاضر است. این تحقیق با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی تدوین شده است.

نتیجه گیری: نقش ترغیبی زبان در قصاید برای سوق دادن مخاطب به انجام بایسته‌های اخلاقی و پرهیز از ضداخلاقیات بوده است. شاعر از طریق نقش همدلی زبان، با طرح سؤالاتی از مخاطبان، بسترهای لازم را برای حضور بیشتر آنها در متن و ایجاد اتحاد و همدلی فراهم آورده است. نقش عاطفی، بیانگر چیرگی من اجتماعی پروین بر من فردی اوست. نقش ارجاعی، بیانگر این مهم است که شاعر در تبیین اخلاقیات از قرآن، عرفان اسلامی، فرهنگ ایرانی و ... تأثیرات آشکاری پذیرفته است. نقش ادبی، مبین قدرت تصویرگری پروین برای محسوس جلوه دادن تضادها و تقابل‌های اخلاقی موجود در جامعه است. یکی از شاخصه‌های نقش فرازبانی در قصاید پروین، استفاده از رمزهای ساده‌یاب دینی، تاریخی و حیوانی بوده که مسائل اخلاقی مطرح‌شده را چندلایه و غنی‌تر کرده است.

کلیدواژه‌گان: پروین اعتصامی، قصاید، آموزه‌های اخلاقی، یاکوبسن، ارتباط کلامی، زبان

سر آغاز

در دوران معاصر، بر مؤلفه‌های تولید پیام، مولد^۴ و گیرنده^۵ پیام، محتوای پیام و ... تأکید شده و نظریه‌های مختلفی درباره آن طراحی و ارائه شده است. رومن یاکوبسن از جمله شخصیت‌هایی است که با خلق نظریه ارتباط کلامی^۶ سعی کرده است این فرآیند را قاعده‌مند کند. او باور دارد پیام از یک منبع صادر می‌شود و در اختیار یک منبع قرار می‌گیرد. در این بین، نقش‌هایی وجود دارند که در بطن این پیام گنجانده شده‌اند و مقاصد خالق پیام را محقق می‌سازند. یاکوبسن در نظریه خود بر کارکردهای فردی و اجتماعی زبان تأکید می‌کند و به تبیین ابعاد گوناگون آن می‌پردازد. در نتیجه، چندسونگری^۸ در این الگو باعث شده است تا یکی از کامل‌ترین و جامع‌ترین طرح‌ها در زمینه ارتباط کلامی شکل بگیرد.

در میان شاعران معاصر که با پایبندی به قواعد عروض کلاسیک فارسی، آثار درخور تأملی خلق کرده‌اند، پروین اعتصامی چهره‌ای شاخص محسوب می‌شود. او با تکیه بر قدرت شاعرانگی، ذوق کم‌نظیر ادبی، نگاه اخلاق‌گرا^۱ و اندرزی و نیز، آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی به شعرسرایی روی آورده و بسیاری از دغدغه‌های خود را تشریح کرده است. یکی از سویه‌های اصلی قصاید او، تبیین موضوعات اخلاقی و تعلیمی بوده که بر مبنای تولید پیام^۲ و انتقال آن به مخاطب شکل گرفته است. او با توجه به رسالت و خویشکاری ادبی^۳ که برای خود در نظر گرفته، شعر را ابزاری کارآمد و اثرگذار برای آگاه‌سازی مردم نسبت به مسائل مختلف دانسته است. به این دلیل، دیوان او به ویژه قصاید مشحون از پیام‌های اخلاقی است که برای ایجاد تحولات شناختی در مخاطب خلق شده‌اند.

– **نقش ادبی:** در ساختار ارتباطی یاکوبسن، نقش ادبی می‌تواند ابزاری کارآمد در رساندن پیام به مخاطب عام و خاص باشد. لذت زیباشناختی کلام، تأثیر سخن را گوش‌نوازتر می‌کند. توصیف، تصویرگری و صور خیال را باید مواد زیبایی و هنرنمایی شاعرانه دانست. صور خیال «در وصف‌های مادی و تصویرهای محسوس، قوی‌ترین عامل انتقال مشابهت و ارتباط می‌تواند باشد». (۳) عامل‌هایی که در بازنمایی داشته‌های ذهنی شاعر، اثری مطلوب دارند.

– **نقش عاطفی:** این نقش زبان، تأثیری از احساس خاص گوینده را به وجود می‌آورد. منشأ صدور این نقش از فرستنده است و به آن تکیه دارد. احساسات درونی گوینده در نقش عاطفی متجلی می‌شود. «این احساس عاطفی می‌تواند واقعی باشد یا این چنین وانمود شود». (۲)

– **نقش ترغیبی:** در کارکردهای ترغیبی، مخاطب مورد توجه بوده و اصولاً چنین کلامی مخاطب‌مدار است. این کارکرد زبانی در تبلیغات نیز، نقش مهمی دارد و به صورت امری و ندایی بازگو می‌شود و قابل ارزش‌گذاری از طریق صدق و کذب نیست. (۲) در واقع، یاکوبسن پیام‌هایی را که با هدف ایجاد حرکت در گیرنده صورت می‌گیرد، ترغیبی می‌نامد.

– **نقش فرازبانی:** در این نقش، رمزهایی که میان گوینده و مخاطب، مشترک هستند، نمود پیدا می‌کنند. در این نقش «زبان برای صحبت درباره خود زبان به کار برده می‌شود». (۴) نقش‌های فرازبانی به صورت قراردادی وضع می‌شوند و امکان تغییر و تحول در آنها به دلایل گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، دینی و ... وجود دارد.

– **نقش ارجاعی:** هرگاه جهت پیام به سوی بافت سخن باشد، کارکرد زبان ارجاعی خواهد بود. سراینده در بافت و زمینه‌های حکایت از واقعیت‌هایی سخن می‌گوید که خارج از جهان واقعی است. «مسئله اساسی، فرمول‌بندی اطلاعات حقیقی، عینی، قابل مشاهده و اثبات‌پذیر درباره مرجع پیام است». (۵)

– **نقش همدلی:** هدف از بازنمایی پیام در این نقش، ایجاد ارتباط و اطمینان از تداوم یا قطع آن است. در این صورت، مشخص می‌شود که چه میزان از مخاطبان به سخنان او گوش فرامی‌دهند. (۱) در این نقش، جهت‌گیری پیام به سوی مجرای ارتباطی است.

اگرچه در این نظریه سعی شده است مرزبندی اولیه‌ای میان نقش‌های شش‌گانه انجام شود، اما همان‌طور که یاکوبسن بیان می‌کند، مطلقاً-انگاری این مرزبندی نادرست است و نمی‌توان متن و پیامی را در نظر آورد که صرفاً بر اساس یک نقش زبانی بیان شده باشد. به عبارت دیگر، گوناگون بودن کارکردهای یک پیام در این نیست که یکی از این چند کارکرد، نقشی انحصاری در آن پیام داشته باشد، بلکه در این است که ترتیب سلسله‌مراتب این کارکردها متفاوت باشد. (۱)

نقش ترغیبی و تأثیر آن بر تبیین آموزه‌های اخلاقی

از دید یاکوبسن، هرگاه جهت‌گیری پیام به سوی مخاطب باشد، نقش ترغیبی زبان برجسته می‌شود. در حقیقت، در این نقش زبانی، فرآیند

در الگوی یاکوبسن، شش نقش زبانی^۹ در نظر گرفته شده است که عبارتند از: ۱. ادبی^{۱۰}، ۲. عاطفی^{۱۱}، ۳. ترغیبی^{۱۲}، ۴. فرازبانی^{۱۳}، ۵. ارجاعی^{۱۴}، ۶. همدلی^{۱۵}. (۱) هر کدام از این نقش‌ها بخشی از ظرفیت‌های زبانی و غیرزبانی یک متن تولیدشده را تبیین می‌کنند.

ظرفیت‌های این نظریه باعث می‌شود محققان امکان تحلیل ابعاد جدیدی از آثار گوناگون ادبی را به دست بیاورند و با کاربست مبانی این نظریه کیفیت نگرش خالقان آثار به مسائل مختلف از جمله موضوعات تعلیمی و اخلاقی مورد نظر قرار گیرد. بر این پایه، هدف و مسئله اصلی تحقیق حاضر، پرداختن به کیفیت پیام‌های تعلیمی تولیدشده از جانب پروین اعتصامی در قصاید بر اساس نظریه ارتباط کلامی یاکوبسن است. پرسش‌های اصلی تحقیق عبارتند از: الف) کاربست مصداق‌های نظریه مذکور چه تأثیری در پی بردن به شگردهای پروین در بازنمایی اخلاقیات دارد؟ ب) ارتباط میان ادبیت^{۱۶} متن و مفاهیم تعلیمی در قصاید پروین چگونه تبیین می‌شود؟ ج) ذیل هر کدام از نقش‌های شش‌گانه در نظریه مذکور چه آموزه‌هایی بازنمایی شده است؟

این تحقیق بر اساس روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای نوشته شده است. همچنین، جامعه آماری تحقیق، قصاید پروین و حجم نمونه تحقیق، آن بخش از اشعار است که نمود نقش‌های شش‌گانه در آن برجسته به نظر می‌رسد. همچنین، برای تحلیل آرای اخلاقی پروین از نظریه ارتباط کلامی رومن یاکوبسن استفاده شده است. ساختار کلی پژوهش به این صورت است که ابتدا به ابعاد گوناگون نظریه مذکور اشاره شده و در بخش اصلی، ذیل عناوین مختلف، تأثیر نقش‌های شش‌گانه در انعکاس پیام‌های اخلاقی و تعلیمی بررسی و کاویده شده است.

بحث

نظریه ارتباط کلامی یاکوبسن و انواع نقش‌های شش‌گانه

این نظریه، از منسجم‌ترین و کامل‌ترین طرح‌ها در تبیین ارتباط کلامی به حساب می‌آید؛ چراکه از اهمیت ویژه‌ای در کشف معانی در فرآیند ارتباطات درون‌متنی و فرامتنی برخوردار است. به اعتقاد یاکوبسن، در هر کنش ارتباطی، نخست «فرستنده»^{۱۷}، «پیامی» را برای «گیرنده» می‌فرستد، حال برای آنکه پیام مؤثرتر واقع شود، باید به «موضوعی» اشاره کند که برای گیرنده قابل فهم باشد. در این میان به «رمز»^{۱۸}ی مشترک و نیز، «تماس» یا فضای مادی احتیاج است، یعنی مجرای فیزیکی و پیوندی روان‌شناختی میان فرستنده و گیرنده پیام که به هر دو امکان می‌دهد ارتباط کلامی برقرار کنند و آن را ادامه دهند. (۲) هریک از این اجزاء، با توجه به کارکرد خود در جمله می‌توانند در یک عمل یا کنش ارتباطی مشخص، جزء غالب و مسلط باشند.

یاکوبسن شش مؤلفه را در شکل‌گیری کنش ارتباطی مؤثر می‌داند که عبارتند از: فرستنده یا رمزگذار؛ گیرنده یا رمزگردان؛ رمز، پیام، موضوع و مجرای ارتباطی. (۳) بر مبنای این دسته‌بندی، شش نقش زبانی (ادبی؛ عاطفی؛ ترغیبی؛ فرازبانی؛ ارجاعی؛ همدلی) قابل تصور است.

ارتباط‌گیری بر مخاطب متمرکز است. البته، بسیاری از جملات خبری که به قصد ترغیب بیان می‌شوند، جنبه ترغیبی دارند. جملاتی از این دست، قابل تصدیق و تکذیب نیستند. (۱) در جریان ارتباط، هرگاه تمرکز بر گیرنده پیام باشد، کارکرد ترغیبی پدید می‌آید و ساختار کلام بر مقتضای حال، به جهت تشویق مخاطب شکل می‌گیرد. «گوینده با مهارت و استادی، سخن را طوری بیان می‌کند که شنونده را به کاری وادارد یا از کاری باز دارد». (۶) فرستنده با افعال امری، داعی و ندایی گیرنده یا مخاطب را مورد توجه قرار می‌دهد و او را به پذیرش اصول یا عقیده خاص دعوت می‌کند.

از آنجا که نقش ترغیبی و اخلاق با مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها سروکار دارند، می‌توان شاهد پیوند این دو مقوله در شعر پروین اعتصامی بود. او در قصاید، مخاطبان را به آموزه‌های انسانی دعوت می‌کند و از کژی‌ها پرهیز می‌دهد. او باور دارد همه انسان‌ها برای رسیدن به ثبات شخصیتی و کمال، باید به نیکویی‌ها تخلق پیدا کنند و از پلشتی‌های اخلاقی دوری گزینند. از این‌رو، نقش ترغیبی در شعر پروین کارکرد ویژه‌ای می‌یابد. «شعر او مجموعه‌ای است از توصیف‌ها، تشویق‌ها، اندرزها و نشان دادن سمت‌وسوی ذهنی خود به نفع مردم محروم». (۷) بر این پایه، پروین از مخاطبان خود درخواست می‌کند تا آیین وجودشان را از زنگارها پاک کنند و اجازه نفوذ به نفس تبه‌کار ندهند، زیرا آسیب‌های بسیاری برجای می‌گذارد. نفس شبیه به خاری است که خود را در صف گل‌ها جای داده و قصد آسیب‌زدن به گل‌ها را دارد. در تعبیر دیگر، این نفس شبیه موشی است که به انبار گندم وارد می‌شود و همه محصولات را نابود می‌کند. پس باید این انبار (وجود آدمی) را ایمن نگاه داشت.

کار مده نفس تبه‌کار را در صف گل جا مده این خار را
کشته نکودار که موش هوی خورده بسی خوشه و خروار را ...
آینه توسست دل تابناک بستر از این آینه زنگار را

(۸)

پروین در ابیات ذیل با کاربرست فعل‌های امری همچون: «گزین، بترس و بازگرد»، اهداف اخلاقی خود را شرح می‌دهد. نقش ترغیبی در این شعر با هدف فراخواندن مخاطب به تلاش، دوری‌گزینی از انفعال، رسیدن به حقیقت و گسستن از ناحقان به کار رفته است. با این پیش‌انگاره، پروین به مخاطبان خود توصیه می‌کند از تن‌پروری پرهیز کنند و این کنش اخلاقی را به عنوان یکی از بایسته‌های زندگی خود در نظر بگیرند. او با تعیین الزاماتی در فرآیند اخلاقی، به مخاطبان خود درس زندگی می‌دهد و الگویی از حیات نیکو را تشریح می‌کند.

گر زنده‌ای و مرده نه‌ای، کار جان تن‌پروری چه سود، چو جان تو
گـزین ناستاسـت ...
زان راه بازگرد که از رهروان تهی زان آدمی بترس که با دیو آشناست
است

(۸)

نقش عاطفی و تأثیر آن بر تبیین آموزه‌های اخلاقی

منشأ صدور نقش عاطفی، فرستنده است. همچنین، دنیای درونی گوینده پیام در قالب این نقش نمود پیدا می‌کند. (۲) بنابراین، گاهی این

احساسات با آنچه در عالم واقع می‌گذرد، تفاوت‌هایی دارد و نباید الزامی برای همسانی این دو مقوله (عالم واقع و عواطف شخصی) قائل بود. «یاکوبسن معتقد است که نقش صرفاً عاطفی زبان، در حروف ندا تظاهر می‌یابد. مانند: ای وای! یا در اصواتی مانند: نه‌چ و جز آن». (۴) یکی از سویه‌های عواطف انسانی، هم‌نوع‌دوستی است که در آثار ادبی هم نمود دارد.

یکی از سویه‌های اصلی احساس‌بنیاد در قصاید اشعار پروین، اندوه و غمی تفکرآفرین است. قطعاً نبود رفاه در میان لایه‌های گوناگون جامعه و کم‌برخورداری گروه‌های جمعیتی از امکانات زندگی مطلوب، نگاه بشردوستانه پروین را به خود مشغول می‌دارد و گونه‌ای از اعتراض همراه با مویه و اندوه را در سروده‌های وی انعکاس می‌دهد. «در دیوان شاعر، اندوه و ناامیدی به چشم می‌خورد، اما همراه با این اندوه زبان به اعتراض می‌گشاید و تسلیم محض نمی‌شود و از تمام ضدارزش‌ها شکوه سر می‌دهد». (۹) پروین هنوز به آینده امیدوار است و مخاطبان خود را به مبارزه کردن دعوت می‌کند. البته که این مبارزه صرفاً جنبه‌ای سیاسی ندارد و گاهی به تسلیم نشدن در برابر جبر روزگار، محدود می‌شود. پس می‌توان این مبارزه را از نوع فرهنگی دانست.

گردی چو پاکباز فلک بندد بر گردن تو عقد ثریا را
(۸)

رهایت باید، رها کن جهان را نگهدار ز آلودگی پاک جان را
(۸)

چیرگی عنصر عاطفه در شعرهای پروین باعث برقراری ارتباط مطلوب‌تر میان مخاطبان با اشعار می‌شود. وقتی آنها خالق اثر را از جنس خودشان و هم‌درد با خودشان ببینند، رغبت بیشتری برای دنبال کردن سروده‌های شاعر پیدا می‌کنند. یکی از نشانه‌های چیرگی عنصر احساس در شعرهای پروین، وجود واژگانی با بار معنای آندوه‌آور است. «تنها آندوه پروین از دیدن وضع پریشان طبقات ستم‌کشیده، از ملاحظه ناهمواری‌های اجتماع، از مشاهده ستمی که بر تیره‌بختان و زیردستان می‌رفت، بود». (۱۰) پروین در سطح لفظ متوقف نمی‌شود و در لایه‌های معنایی هم به مسائلی می‌پردازد که ذهن شنونده را به خود مشغول می‌دارد. او در ابیات ذیل، این نکته را بیان می‌دارد که آپرستی و خودبرتربینی زمینه‌ساز سفلی و تباهی می‌شود. عادت کردن به این ویژگی‌های منفی اخلاقی، آدمی را به انحراف و ابتذال می‌کشاند و او را به مسیری هدایت می‌کند که مطبوع دیوان و بزهکاران است. پروین در این بیت‌ها در کانون نقش عاطفی قرار گرفته و باور خود را درباره موضوعی به صورت مستقیم بیان کرده است.

ای دل، غرور و حرص، زبونی و ای دیده، راه دیو ز راه خدا جداسـت
سفلی اسـت
گر فکر برتری کنی و بربری به شوق بینی که در کجایی و اندر سرت چه-
هاسـت

(۸)

نقش ادبی و تأثیر آن بر تبیین آموزه‌های اخلاقی

طبق رویکرد یاکوبسن، در نقش ادبی، جهت‌گیری پیام به سمت خود پیام است. این کارکرد زبانی پیونددهنده زبان و ادبیات است که با بهره-

تخلقی به نیکویی‌ها و عدم تخلقی به آن، بازنمایی می‌کند. همچنین، کاربست مجموعه‌ای از جناس‌ها (بی‌خودی، خود)، مراعات‌النظیر (گل، خار، رویدن، پرتو)، استعاره (کشتی بی‌لنگر که استعاره از دنیاست) و ... بر غنای ادبی رویکردهای تعلیمی شاعر افزوده و کلام او را از معیارهای زبانی معمول خارج کرده است تا مسائل اندرزی را در نگاه شنونده، جذاب‌تر جلوه دهد و سامت و دلزدگی در وی ایجاد نشود.

از تن خویش بسایی چو شوی سوهان دامن خویش بسوزی چو شوی
 اخگر
 تو بدین بی‌پری و خردی اگر روزی بپری، بگذری از مهر و مه انور
 ز تو حیف ای گل شاداب که روییدی با چنین پرتو رخسار به خار اندر

تو چنان بی‌خودی از خود که نمی‌دانی که تو را می‌برد این کشتی بی‌لنگر
 (۸)

نقش فرازبانی و تأثیر آن بر تبیین آموزه‌های اخلاقی

یاقوبسن عقیده دارد هرگاه گوینده و مخاطب بر سر استفاده از رمز به توافق برسند، جهت‌گیری پیام به سوی رمز خواهد بود که معمولاً در تمامی زبان‌ها، از این نوع نقش به فرازبانی تعبیر می‌شود. سازه مرکزی این نقش، رمز است که در حوزه زبانی، مربوط به واژگان، اصطلاحات و غیره است. (۶) در این کارکرد زبانی، تمرکز پیام، اغلب در واژگان نمادین و رمزهاست. انواع نمادها، استعاره‌ها و سمبل‌ها نیز می‌توانند پدیدآورنده نقش مذکور باشند. (۲) رمزگان‌ها گاهی دربردارنده پیامی اخلاقی هستند. شاعر می‌خواهد موضوعاتی را مطرح کند که شاید مورد پسند صاحبان زور و زر نباشد. در نتیجه، نقش فرازبانی برجسته می‌شود و مورد استفاده قرار می‌گیرد تا خالق اثر ادبی در لفافه کلام اخلاقی خود را بازگو کند.

پروین گاهی به موضوعاتی اشاره می‌کند که حالتی رمزی دارد و این رمزها در مواردی آشنا و ملموس هستند و به دلیل تکرار زیاد، در بین مردم، ساده تلقی می‌شوند. گاهی هم رمزهایی را به کار می‌گیرد که دشوار و پیچیده به نظر می‌رسند. در هر صورت، این رمزها معنا و مفهوم کلام را از روستاخت به ژرف‌ساخت انتقال می‌دهند.

پروین جامعه‌ای را ترسیم می‌کند که در یک سوی آن کارگزاران اهریمن حضور دارند و با روش‌های مختلف، مردم تحت ستم را چپاول می‌کنند. در سوی دیگر، مردمی بی‌دفاع و مستضعف دیده می‌شوند که پروین آنها را برحق توصیف می‌کند. با عنایت به این پیش‌انگاره که در قصاید متعددی دیده می‌شود، او رمزهایی چون «دیو» را بازگو می‌کند تا منظور و غرض خود را شرح دهد. دیو را باید رمزی از عمال حکومت وقت دانست که با سیاست‌های ناروای خود، مردم را به در یوزگی و ابتذال فکری و شخصیتی کشانده و عامل اصلی گرسنگی، مزدوری، بیگاری و ابتذال افراد شده‌اند.

مزدور دیو و هیمه‌کش او شدیم از آن کاین سفله‌تن گرسنه و در فکر
 غداست
 تو دیو بین که پیشرو راه آدمی است تو آدمی نگر که چه دستیش
 رهنماست
 (۸)

گیری از آن، یعنی کاربرد علوم بلاغی و زیبایی‌شناسی، می‌توان بر تأثیرگذاری سخن افزود. «در کارکرد ادبی، به ساختمان صوری زبان، توجه بیشتری می‌شود» (۱۱) و شاعر از این روش مفاهیم خود را با نگاهی زیبایی‌شناسانه بازتاب می‌دهد. در حقیقت، گوینده به دلایل مختلف مانند: تأثیر بیشتر کلام خود، نشان دادن فصاحت، بلاغت و برتری معنوی خویش، کسب شخصیت و مقام، برانگیختن تحسین و تمجید دیگران و غیره سخنان را به گونه‌ای آهنگین می‌آراید. (۱۲)

در شعر پروین، صنایع لفظی و معنوی با هدف آراستن محتوای کلام به کار گرفته شده‌اند. در واقع، شاعر بر آن است تا از قابلیت‌های صورت-های خیال استفاده کند تا بتواند مجموعه‌ای از اندرزاها و توصیه‌های انسان‌ساز را برای مخاطب بازگو نماید. نقش ادبی زبان، شنیدن پیام‌ها را از حالت تکرار و سامت بیرون می‌آورد و به آن زیبایی و شکل دیگری می‌دهد. پروین سعی می‌کند از آرایه‌ها و صور خیال برای برجسته‌کردن سخن خویش بهره‌برداری کند تا در نهایت، رویکردهای اخلاقی و تعلیمی خود را با کیفیت مطلوب‌تری با گروه هدف در میان بگذارد. به بیان دیگر، پروین صنایع ادبی را برای انعکاس بهتر لایه‌های فکری خود به کار می‌گیرد.

پروین در قصاید به تشبیه توجه نشان داده و انتقال بخشی از اغراض خود را از طریق بهره‌گیری از ظرفیت‌های این صنعت ادبی به انجام رسانیده است. قصاید او سرشار از تشبیهاتی است که کلامش را به سوی تخیل سوق می‌دهد. در زبان شعری پروین، عناصر متنوعی چون: اشیاء و عناصر پیرامون و محسوسات روزمره، عناصر طبیعت، انسان، حیوانات، مؤلفه‌های دینی، مفاهیم انتزاعی و ... دست‌مایه قرار می‌گیرند تا او تشبیهات زیبایی را خلق کند. در سروده ذیل، «سیل فتنه و باد حادثه» اضافه تشبیهی هستند و برای بازنمایی کیفیت روزگار به کار گرفته شده‌اند. همچنین، تشبیه انسان آزپرست به شداد، شباهت انسان به طعمه، تشبیه آدمی به کبوتر ضعیف، تشبیه دنیا به بازی نیرومند در سروده ذیل برجسته شده است تا در نهایت، بی‌اعتباری دنیا و مافیها آشکار گردد.

ای کنده سیل فتنه ز بنیادت وی داده باد حادثه بر بادت ...
 کرد آرزوپرستی و خودبینی بیگانه از خدای چو شدادت ...
 این کوردل عجزه بی‌شفقت چون طعمه بهر گرگ اجل زادت ...
 هستی تو چون کبوترکی مسکین بازی چنین قوی شده صیادت
 (۸)

کنایه یکی از صور خیال پرکاربرد در قصاید پروین است. او به مخاطبان خود توصیه می‌کند با نگاهی انتقادی به کرده‌های خود، جان و دلشان را صیقلی دهند و وجود خویش را به بستری مطلوب برای انعکاس نیکویی‌های اخلاقی بدل نمایند. در برابر، شاعر باور دارد کسی که همچون آتش باشد، دامن خود را می‌سوزاند. منظور از این کنایه، بروز بحران‌های هویتی و شخصیتی بسیار در صورت عدم توجه به خودمراقبتی و نادیده‌گرفتن اخلاقیات است. تضادهایی که در شعر ذیل میان «گل و خار» وجود دارد، فضای ذهنی مخاطب را پیوسته به سوی ستیز میان اخلاق و ضد اخلاق سوق می‌دهد و موقعیت او را در صورت

در شعر پروین، استفاده از عناصر نمادین و رمزی با بن‌مایه دینی دیده می‌شود. در شعر ذیل، سلیمان رمز شکوه و حشمت و بزرگ‌منشی است. شاعر قصد دارد آموزه قناعت‌ورزیدن را برای مخاطبان خود شرح دهد. از این‌رو، با اشاره‌ای تلمیح‌وار به زندگی سلیمان نبی^(ع) مقصود خود را بازنمایی می‌کند. شاعر قناعت را یکی از راه‌های رسیدن به قدرت و عزتمندی می‌داند و برای باورپذیری رویکرد خود به یک تقابل تاریخی و دینی اشاره می‌کند که بر اساس آن، مور ضعیف و ناتوان موفق به درک تجربه‌هایی می‌شود که سلیمان^(ع) از آن بهره‌مند شده است. در یک نگاه کلی، سلیمان^(ع) رمزی از قدرت سیاسی، دینی و حتی اقتصادی دانسته می‌شود.

زان گنج شایگان که به کنج قناعت
مور ضعیف گر چو سلیمان شود
است
رواست
(۸)

نقش همدلی و تأثیر آن بر تبیین آموزه‌های اخلاقی

زمانی که جهت‌گیری پیام به سوی مجرای ارتباطی معطوف شود، کارکرد زبان، همدلانه خواهد بود. یاکوبسن عقیده دارد «هدف برخی از پیام‌ها این است که ارتباط برقرار کنند و موجب ادامه ارتباط شوند یا ارتباط را قطع کنند. برخی دیگر عمدتاً برای حصول اطمینان از عمل کردن مجرای ارتباط است. مانند: "الو صدایم را می‌شنوی؟" یا "فهمیدی چه گفتم؟"». (۴) زمانی که خالق یک اثر، مخاطب را خطاب قرار می‌دهد، قصد دارد حرفی به او بزند و از همراه بودن وی با خودش مطمئن شود. این پیام‌ها در مواردی می‌تواند اخلاقی باشد. به عبارت دیگر، شاعر فرد را خطاب قرار می‌دهد تا پیامی اخلاقی را به وی ارائه کند.

پروین اعتصامی در شعرهای خود به برقراری ارتباطی دوسویه و پویا با مخاطبان خود اهمیت می‌دهد و سعی می‌کند زمینه‌ای را در اشعار خود فراهم کند تا مشارکت مخاطب در فهم متن تولیدی و درک مفاهیم مستتر در آن افزایش یابد. از این‌رو، سعی می‌کند گاهی با مخاطب خود وارد گفتگو شود. هدف پروین این است که نوعی چالش ذهنی هدفمند در ذهن شنونده پدید آورد و او را در فرآیند تحلیل نگرش خود دخالت دهد تا ضمن حفظ همدلی ضمنی میان فرستنده (پروین) و گیرنده (مخاطب)، منظور شاعر از خلق شعرها تحقق پیدا کند. پروین در بیت ذیل، با ایجاد تقابل میان واژه‌های کلیدی «خداپرستی» و «بت‌خانه»، گفتمان حق و باطل را تقویت می‌کند و شنونده را خطاب قرار می‌دهد و از این طریق، از توجه وی اطمینان حاصل می‌کند. این تجربه دوسویه می‌تواند صمیمیت فکری میان خالق اثر و خواننده را تقویت کند. پروین با کاربست ضمائر پیوسته و گسسته دوم شخص مفرد، فاصله موجود میان فرستنده و گیرنده را به حداقل می‌رساند. با عنایت به کارکردهای نقش زبانی همدلی، رفع خالهای احتمالی در شعر قابل تصور است.

تو خداوندپرستی، نسزد هرگز
کار بت‌خانه گزینی و شوی بتگر
(۸)

پروین با کاربست راه‌های گوناگون تلاش می‌کند توجه و تمرکز مخاطب را به سوی خود جلب کند. از جمله اینکه در تلاش است تا با

طرح سؤال، مخاطب را به جربان روایت وارد کند و تا حدی او را دخالت دهد. او به گروه هدف می‌گوید که آیا می‌دانند صفت پاکی شایسته چه کسانی است؟ در واقع، شاعر نوعی پویایی ذهنی برای مخاطب ایجاد می‌کند و گستره دانسته‌های او را به چالش می‌کشد. در مصراع دوم، پروین به این پرسش پاسخ می‌دهد و این‌گونه، مخاطب می‌تواند پاسخ خود را با پاسخ طراح سؤال مقایسه کند و ابعاد مشترک و ناهمسان آن را بسنجد.

دانی که را سزد صفت پاکی؟!
آن کو وجود پاک نیالاید
(۸)

نقش ارجاعی و تأثیر آن بر تبیین آموزه‌های اخلاقی

در این نقش، واقعیت‌هایی که قابل لمس هستند و در عالم خارج مابه‌ازا دارند، تشریح می‌شوند. «وقتی از موضوعی قابل درک سخن می‌گوییم و قصدمان انتقال مفاهیم خاص به مخاطب است، با نقش ارجاعی زبان مواجه‌ایم، به این معنا که همه عناصر و اجزای یک جمله جهت تبیین و توضیح مورد بحث، ترکیب می‌شوند و شنونده را به این موضوع اصلی ارجاع می‌دهند». (۱۳) جملات خبری که قابل صدق و کذب باشند، ذیل نقش ارجاعی قرار می‌گیرند. (۴) می‌توان این نقش را نمودی از میان-متنیت و البته، عناصر مهمی که بیرون از فضای ذهنی شاعر وجود دارند، تلقی کرد. گاهی گستره اثرپذیری یک شاعر از آثار دیگر، به حوزه اخلاقیات و آموزه‌های انسان‌ساز، محدود و منحصر می‌شود. به عبارت دیگر، شاعر سعی می‌کند با اثرپذیری از آموزه‌هایی که در کتاب متقدم به عنوان کتاب برتر و الگو مطرح شده است، اندرزهای خود را سامان داده و برای مخاطبان شرح دهد تا بر تأثیر سخن خویش بیفزاید. در این مواقع، شاهد ظهور نقش ارجاعی در متن خلق شده هستیم.

پروین اعتصامی برای تشریح رویکردهای خود صرفاً به آرای شخصی متکی نبوده و از منابع و مدخل‌های فکری بیرونی بسیاری استفاده کرده است تا بر اثرگذاری متن تولیدی و پیام ذکرشده در آن بیفزاید. از این‌رو، نشانه‌های میان‌متنیت در دیوان او به ویژه قصاید، مشهود است. شاعر برای بازنمایی اندیشه‌های اخلاقی خود از مصداق‌های فرهنگی که ریشه در واقعیت‌های جامعه دارند، استفاده می‌کند. او سعی دارد از موضوعاتی سخن بگوید که برای مخاطبان قابل درک هستند و در عالم واقعیت، نموده‌های آن از سوی گروه هدف درک شده است.

در شعر پروین، واقعیت‌های زندگی مردم که برآیند مسائل سیاسی و اجتماعی است، به خوبی دیده می‌شود. او در سروده مذکور، دنیای اطراف خود را با همه کاستی‌ها و محرومیت‌هایش به تصویر می‌کشد و سعی دارد به واقعیت‌های موجود نزدیک شود و تصویری منطقی از آن ارائه دهد. البته، پروین در انجام این کار خلاقیت ادبی خود را دخالت داده و «با طرح کلیات اخلاقی و بیان فقر و محرومیت و نیازهای شدید عاطفی به ویژه در نسل جوان به نوعی برداشت اجتماعی- اخلاقی بسنده کرده است». (۱۴) بنابراین، آمیزه‌ای از اخلاقیات و دغدغه‌های اجتماعی شاعر در کلیت قصاید دیده می‌شود. پروین در ابیات ذیل، موضوع را بر دیگر عناصر زبانی برتری داده است تا حقیقت را به شکل بهتری در ذهن مخاطب بازنمایی کند.

نیاید به خار نفس اجازه دهد خود را مذبوحانه در صف گل جان جای دهد.

کار مده نفس تبه‌کار را در صف گل جا مده این خار را (۸)

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، آموزه‌های اخلاقی قصاید پروین اعتصامی با رویکرد به نظریه ارتباط کلامی یاکوبسن بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که اخلاقیات در شعرهای پروین با عنایت به مسائل اجتماعی و سیاسی تبیین شده و مدخل‌های بیرونی، اثری ملموس بر جهت‌گیری‌های فکری شاعر داشته است. در ارتباط با نقش ترغیبی، پروین از این کارکرد برای دعوت مردم به اصلاح کاستی‌های اخلاقی و گرایش به نیکی‌های منشی استفاده کرده است. او در یک نگاه کلی، مفاهیم بسیاری از جمله نفس‌ستیزی، خودمراقبتی، دنیاستیزی، تلاش و کوشش، نکوهش تن‌پروری، ادب‌پروری و همدردستی، گسستن از ناحقان را به عنوان مصداق‌های ضدارزشی مطرح می‌کند. نقش عاطفی، دنیای درونی پروین را که با دغدغه‌های جمعی پیوند خورده است، بازنمایی می‌کند. او بابت کیفیت نامطلوب زندگی اطرافیان خود حسرت می‌خورد و بر پیکر کم‌رمق انسانیت در جامعه به سوگ می‌نشیند. بررسی کارکرد نقش ادبی نشان می‌دهد که پروین از ظرفیت‌های ارتباطی صنایعی چون: استعاره، کنایه، تشبیه، تضاد، مراعات نظیر، جناس و ... استفاده می‌کند تا شکاف طبقاتی موجود در جامعه، خوی حیوانی حاکمان و شرایط نامطلوب مردم را شرح دهد. از طریق کاربست صنایع ادبی، مفاهیمی چون: بی‌اعتباری دنیا، غدار بودن دنیا، اعتبار علم و هنر، خودمراقبتی، عدم غفلت از دنیا و ... بازنمایی شده است. نقش فرازبانی بیانگر این مهم است که پروین با به‌کارگیری رموزهای حیوانی شمه‌ای از کیفیت‌های اخلاقی و رفتاری گروهی از افراد جامعه را مورد نظر قرار داده است. او می‌کوشد با انتخاب رمزهایی ساده‌یاب مانند: «دیو» به عنوان رمزی از حاکمیت جامعه و «سلیمان» به عنوان رمزی از شکوه، بزرگ‌منشی و «پروانه» به عنوان رمزی از انسان غافل، ضمن ایجاد چندلایگی، از تعقید در متن جلوگیری کند و مانع بروز اختلال در فرآیند درک مخاطبان از متن تولیدی شود. نقش همدلی بیانگر اهمیت همراه شدن مخاطب با پروین در اشعار گوناگون است. بررسی کارکرد نقش ارجاعی نشان می‌دهد که پروین واقعیت‌های محیطی را که در آن زندگی می‌کند، از زاویه نگرش خویش شرح می‌دهد. نگاهی کلی به واقعیت‌های عینی و محسوس در قصاید، بیانگر اهمیت مقوله‌های اخلاقی همچون: نکوهش ظاهرپرستی، دانش‌اندوزی، بی‌اعتباری ارزش‌های انتسابی، عدم اعتماد به دنیا، نفس‌ستیزی و ... بوده که پرداختن به آن در ارتقای شخصیت افراد مؤثر به نظر می‌رسد. نقش ارجاعی با شخصیت اسطوره‌ای جمشید گره خورده است که ماهیتی دینی - تاریخی دارد. همچنین، آموزه‌های اخلاقی مشترک در قرآن و شعر پروین، نشان دهنده بُعد دیگر اثرپذیری شاعر از مدخلی بیرونی است. البته، نقش مبانی عرفانی هم در این بین بی‌تأثیر نبوده است.

جمشید ساخت جام جهان‌بین از آن که آگه نبود از این که جهان جام خودنماسیب زنگارهاست در دل آلودگان دهر هر پاک‌جامه را نتوان گفت پارساست (۸)

پروین باور دارد که فخر و مباهات آدمی با لباس و ثروت حاصل نمی‌شود، بلکه دانش‌اندوزی قدر آدمی را ارتقا می‌بخشد. او هنر را ممیزه اصلی میان انسان و دیگر موجودات می‌داند و باور دارد که آموختن معرفت، نشانه انسانیت است. رویکرد پروین به علم‌اندوزی را می‌توان با احادیث متعددی مرتبط دانست. امام علی (ع) می‌فرماید: «أَلْعِلْمُ أَصْلُ كُلِّ خَيْرٍ، الْجَهْلُ أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ» به معنی «دانایی ریشه همه خوبی‌ها و نادانی ریشه همه بدی‌هاست». (۱۵) در حدیثی دیگر از حضرت آمده است که «كِتَابُ الرَّجُلِ عُنْوَانُ عَقْلِهِ وَبُرْهَانُ فَضْلِهِ» به معنی «نوشته (و نامه) انسان، نشان خرد او و دلیل فضل اوست». بر این پایه، پروین مقولات علم و هنر را عامل برتری آدمی می‌داند و کسانی را که به آذین دانش و هنر آراسته شده‌اند، به درجه پادشاهی می‌رساند.

با دانش است فخر، نه با ثروت و تنها هنر، تفاوت انسان و چارباست ... عَقْرُ جَانِ رَا هَرِ آنْكَه مَعْرِفَتِ آمُوخت دِل رَا هَرِ آنْكَه نِيَك نَگَه دَاشت مَرْدَمِ اسْمَتِ پَادِشَا اسْمَتِ (۸)

پروین باور دارد که این جهان غیر قابل اعتماد است و نمی‌توان بدان دل بست. در واقع، آنچه قطعیت دارد و همیشگی است، جهان باقی و سرای مینوی است. در قرآن نیز چنین مطلبی ذکر شده است: «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَ أَبْقَى». (۱۶) خداوند، جهان واپسین را نیکو و ماندگار می‌داند و به بندگان توصیه می‌کند که همواره در پی تحقق زندگی پربار در آن سرای باشند. پروین هم، مخاطبان را به بازجوییدن دولت جاودان فراخوانده است:

گذشتگه است این سرای سپنجی برو بازجو دولت جاودان را (۸)

شاعران متعهد، همواره به مبانی اخلاقی باور داشتند و برای رشد آن کوشیده‌اند. آنها «یقیناً درآشنا، مردمی، متعهد و ملتزم بوده‌اند و هنر را دستاویز مطامع شخصی خویش قرار نداده‌اند». (۱۷) پروین و شاعرانی چون او، همواره مردم‌گرا بوده‌اند. «شاعر رسالت ادبی خود را صرفاً در خودنمایی و اظهار فضل خلاصه نکرده و ضمن آگاهی از خویشکاری انسانی و اجتماعی خود، از بایدها و نبایدهای اخلاقی یاد کرده [است]». (۱۸) به عبارت دیگر، پروین و شاعرانی چون او همواره سعی کرده‌اند از بطن و متن جامعه فاصله نگیرند. «طبیعت انسان اقتضا می‌کند که به صورت اجتماعی زندگی کند و زندگی اجتماعی سرنوشت همه افراد جامعه را به یکدیگر پیوند می‌زند». (۱۹) بر این پایه، پروین باور دارد که نفس اماره آدمی را به سوی بدی‌ها سوق می‌دهد و هدفی جز ضربه زدن به اعتبار آدمی ندارد. در قرآن هم آمده است: «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ». (۱۶) بر این اساس، پروین توصیه می‌کند که آدمی نباید مهار خود را به دست نفس اماره بسپارد تا تبه‌کار و سیه‌روز شود. همچنین،

ملاحظه‌های اخلاقی

در پژوهش حاضر حق معنوی مولفین آثار مورد احترام قرار گرفته و قوانین تعارض منافع کاملاً مورد توجه قرار گرفته است.

واژه نامه

1. Moralistic	اخلاق‌گرا
2. Message Generation	تولید پیام
3. Literary Self-Care	خویشکاری ادبی
4. Generator	مولد
5. Receiver	گیرنده
6. Theory	نظریه
7. Communicative Action	نظریه ارتباط کلامی

8. Multiplicity	چندسونگری
9. Linguistic Function	نقش زبانی
10. Poetic Function	نقش ادبی
11. Emotive Function	نقش عاطفی
12. Conative Function	نقش ترغیبی
13. Metalinguistic Function	نقش فرازبانی
14. Referential Function	نقش ارجاعی
15. Conative Function	نقش همدلی
16. Literature	ادبیات
17. Sender	فرستنده

References

- Jacobsen R. fundamental trends in language knowledge. Translated by: Cyrus Safavi. Tehran: Hermes. 1997. Pp. 185-74.
- Jacobsen R. Linguistics and poetics. Translated by: Korosh Safavi. Tehran: Hermes. 1999. Pp. 263-176.
- ShafieiKadkani M.R. Images of imagination in persian poetry. Tehran: Agah. 2008. P. 280. (In Persian).
- Safavi K. from linguistics to literature. Tehran: Suraeh Mehr. 2008. Pp. 75-31. (In Persian).
- Giro P. Semiotics. Translated by: Mohammad Nabavi. Tehran: Agah. 2010. P. 20.
- AlaviMoghadam M. Theories of contemporary literary criticism. Tehran: Samt. 1998. Pp. 234-20. (In Persian).
- Babaei, M.T. Diwan Parvin Etisami. 2 ed. Tehran: Negah. 2004. P. 11. (In Persian).
- Etisami, P. Divan. by Abolfath Etisami. 4th edition. Tehran: Majles Library. 1954. Pp. 60-63. (In Persian).
- AghaHosseini H, Harirsaz E. Imaginary images in the service of Parvin Etisami's thoughts", collection of articles of Parvin Etesami commemoration congress. Edited by: Mohsen Zulfiquari. Arak: Arak University. 2007. P. 15. (In Persian).
- Jalali B. living eternally; Staying at the peak. Tehran: Morvarid. 1993. P. 169. (In Persian).
- Mackarik I. Encyclopaedia of contemporary literary theories. Translated by Mehran Mohajer and Mohammad Nabavi. Tehran: Agah. 2006. P. 158.
- Bagheri M. linguistic articles, Tehran, Payam Noor University. 1994, P. 105. (In Persian).
- Sadeghi L. The roles of communicative silence in reading fiction texts. Persian Literature Research Magazine; 2009, (19): 199. (In Persian).
- Yahaghi MJ. Stream of moments. 8th edition. Tehran: Jami. 2005. P. 173. (In Persian).
- Mohammadi ReyShahri M. Mizan al-Hekmah. vol2. Translated by: Hamidreza Sheikhhi. Tehran: Dar al-Hadith. 1999. P. 306. (In Persian).
- Majlesi MB. Bihar al-Anwar. vol1. 4th edition. Tehran: Al-Maktabeh Islamiya. 2004. P. 237.
- Namdari G, Mansouri S, Pakdel M, Tadayyoni, M. Commitment to moral and value principles in the works of Ibtahaj, Nawab Safa and Bijan Targhi. Ethics in Science and Technology; 2023, 18(1): 31. DOR: [20.1001.1.22517634.1402.18.1.5.2](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1402.18.1.5.2). (In Persian).
- DavoudiSani Z, Hojjat M, Tahmasbi, F. Investigation of the level of interpretation in the teachings contained in Saeb Tabrizi's Divan Ghazals with an approach to Fairklaf's critical discourse analysis theory. Ethics in Science and Technology; 2023, 18(1): 35. DOR: [20.1001.1.22517634.1402.18.1.6.3](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1402.18.1.6.3). (In Persian).
- Mobini Q, Asgarkhani AM, MirAbbasi SB. Ethical theory of utilitarianism and the development of human rights. Ethics in Science and Technology; 2022; 17(4): 17. DOR: [20.1001.1.22517634.1401.17.4.3.9](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1401.17.4.3.9). (In Persian).